

## خداوند تو را لازم دارد

یادداشت

مرقس ۱۱: ۱-۱۱

«چون به بیت‌فاجی و بیت‌عنیا رسیدند که نزدیک اورشلیم در دامنه کوه زیتون بود، عیسی دو تن از شاگردان خود را فرستاد<sup>۲</sup> و به آنان فرمود: «به دهکده‌ای که پیش روی شماست، بروید. به محض ورود، کره الاغی را بسته خواهید یافت که تا کنون کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و بیاورید<sup>۳</sup> و اگر کسی از شما پرسید: «چرا چنین می‌کنید؟» بگویید: «خداوند بدان نیاز دارد و بی‌درنگ آن را به اینجا باز خواهد فرستاد.»<sup>۴</sup> آن دو رفتند و بیرون، در کوچه‌ای کره الاغی یافتند که مقابل دری بسته شده بود. پس آن را باز کردند.<sup>۵</sup> در همان هنگام، بعضی از کسانی که آنجا ایستاده بودند پرسیدند: «چرا کره الاغ را باز می‌کنید؟»<sup>۶</sup> آن دو همان‌گونه که عیسی بدیشان فرموده بود، پاسخ دادند؛ پس گذاشتند بروند.<sup>۷</sup> آنگاه کره الاغ را نزد عیسی آورده، ردهای خود را بر آن افکندند، و عیسی سوار شد.<sup>۸</sup> بسیاری از مردم نیز ردهای خود را بر سر راه گسترده و عده‌ای نیز شاخه‌هایی را که در مزارع بریده بودند، در راه می‌گسترده. کسانی که پیشاپیش او می‌رفتند و آنان که از پس او می‌آمدند، فریادکنان می‌گفتند:

«هوشیاعانا!» «مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید!»

<sup>۱۰</sup> «مبارک است پادشاهی پدر ما داوود که فرا می‌رسد!»

«هوشیاعانا در عرش برین!»

<sup>۱۱</sup> پس عیسی به اورشلیم درآمد و به معبد رفت. در آنجا همه چیز را ملاحظه کرد، اما چون دیروقت بود همراه با آن دوازده تن به بیت‌عنیا رفت.<sup>۱۱</sup>

زکریا ۹: ۹

«ای دختر صهیون، بسیار شادی کن! و ای دختر اورشلیم، فریاد بلند سر ده!  
هان پادشاهت نزد تو می‌آید؛ او عادل و صاحب نجات است،  
فروتن و سوار بر الاغ، بر گره الاغ.»

پیام هفته آینده

**زندگی بهتر در پرتو رستاخیز مسیح**

کشیش سارو خاچیکیان